نکته

وقتی مدعیان حقوق بشر غیب می‌شوند!

بعضا در صحنه سیاست بین‌الملل، برخی نهادها و سازمان‌ها خود را به عنوان تنها مرجع جهان شمول برای دفاع از حقوق بشر معرفی می‌کنند. این مدعیان، با شعارهای پرطمطراق آزادی، دموکراسی و حمایت از ملت‌ها، همواره در پی رصد و نقد عملکرد دولت‌ها به ویژه در کشورهایی که با سیاست‌های غرب همسو نیستند، بوده‌اند. با این حال، در بزنگاه‌های تاریخی که منافع سیاسی غرب با حمایت‌های انسانی تلاقی پیدا می‌کند، ماهیت این ادعاها به طرز شگفت‌آوری تغییر ماهیت می‌دهد. بحران اخیر پناهجویان ایرانی در آمریکا و به ویژه اخراج‌ها و مواجهه خشن دولت ترامپ با آن‌ها، تبدیل به آزمونی سفت و سخت برای سنجش میزان صداقت این مدعیان شده است.

در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱، رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری غربی، تصویرسازی گسترده‌ای از حمایت قاطع خود از مردم ایران به راه انداختند. آن‌ها خود را حامی اصلی آزادی خواهی و پناهگاهی امن برای هر ایرانی تحت ستم جازدند. اروپا و آمریکا، به طور برانگیخته برخی از افراد را تحت عنوان «حمایت از معترضان» پذیرفتند، اما اکنون که همان پناهجویان، این بار در خاک آمریکا با بحران اخراج و رویارویی با سیاست‌های مهاجرتی سختگیرانه (به خصوص در سایه دولت ترامپ) مواجه شده‌اند، صدای آن مدعیان به طور کامل خاموش شده است.

این سکوت نه تنها معنادار، بلکه افشاگرانه است. نهادهایی که پیش‌تر با کوچک‌ترین مورد ادعایی نقض حقوق، بیانیه‌های تند صادر می‌کردند، اکنون در برابر تحقیر و اخراج بخشی از جامعه‌ای که خود مدعی حمایت از آن بودند، تنها تماشاچی باقی مانده‌اند. این افراد، که بخشی از آن‌ها پیش‌تر مورد حمایت یا لااقل چراغ سبز اروپا بوده‌اند، اکنون در مرزهای آمریکا با وضعیت دشواری روبه‌رو هستند و هیچ صدای اعتراض یا حتی بیانیه‌ای از سوی آن مراجع حقوق بشری شنیده نمی‌شود.

تجربه اخیر به ایرانیان داخل و خارج از کشور نشان داد که «حقوق بشر» برای بسیاری از این سازمان‌های غربی، یک ابزار سیاست خارجی است، نه یک ارزش ذاتی. حمایت آن‌ها مشروط، انتخابی و صرفا در راستای تضعیف یا اعمال فشار بر دولت‌های خاص است. هنگامی که پناهجوی ایرانی تبدیل به مهره‌ای در بازی‌های سیاسی داخلی آمریکا می‌شود و منافع ژئوپلیتیک ایجاب می‌کند که سیاست سختگیرانه‌ای در قبال مهاجران اعمال شود، این مدعیان حقوق بشر به سرعت موضع می‌گیرند و در سکوتی سنگین فرو می‌روند.

این تناقض آشکار، اعتبار این نهادها را در چشم ایرانیان به شدت خدشه‌دار کرده است. دیگر جایی برای شک نیست؛ حمایت‌های گذشته، نه از سر اعتقاد به کرامت انسانی، بلکه بخشی از یک استراتژی بلندمدت برای مشروعیت‌بخشی به دخالت‌های سیاسی بود. اکنون، این سازمان‌ها نه تنها برای پناهجویان ایرانی، بلکه برای افکار عمومی دنیا، به عنوان نهادهایی فاقد استقلال اخلاقی و بازیچه‌هایی در دست منافع قدرت‌های بزرگ اثبات شده‌اند. این «غیبت»، قوی‌ترین بیانیه‌ای بود که می‌توانست صادر شود؛ بیانیه‌ای مبنی بر اولویت منافع بر اصول.

گفت‌وگو

طراد حماده، وزیر سابق لبنانی در گفت‌وگو با «رسالت»:

ما در بطن نبرد حق و باطل قرار داریم

وزیر سابق لبنانی تأکید کرد: آنچه اکنون در حال رخ دادن بوده و نمادهای آن را مشاهده می‌کنیم، نبرد تمام عیار جبهه حق علیه باطل است.

طراد حماده در گفت و گو با «رسالت» اظهار داشت: «برخی تصور می‌کنند آنچه امروز در منطقه رخ می‌دهد، نمادی از یک منازعه سرزمینی محدود بوده و باید از این زاویه آن را تحلیل کرد اما این نگاه اشتباه است. ما شاهد شکل‌گیری نبرد تمام عیاری هستیم که در یک سوی آن جبهه حق و در سوی دیگر آن جبهه باطل به میدان آمده‌اند. در نبرد جبهه حق و باطل، باید از همه ظرفیت‌ها برای اثبات حق و پیروزی آن بر باطل استفاده کرد. بدیهی است که جبهه باطل نیز با تمامی عده و ظرفیت‌های خود به میدان آمده و تلاش می‌کند به اهداف شوم خود برسد.»

این سیاستمدار لبنانی افزود: «همین مسئله مسئولیت ما را در جبهه نبرد حق علیه باطل دوچندان می‌سازد. زمانی که نسبت به ماهیت نبرد با دشمن صهیونیستی آگاه باشیم، دیگر اهمالکاری معنایی ندارد.»

کارنامه یک ساله جولانی در سوریه

کارگزاری صهیونیست‌ها در دمشق

علی تتماج

درشرایطی که جهان معطوف به جنایات رژیم صهیونی در غزه و لبنان بود، ۱۸ آذر ۱۴۰۳ جولانی سرکرده گروه تروریستی تحریرالشام با حمایت‌های ترکیه، برخی کشورهای عربی، غرب و صهیونیست‌ها با سرنگونی نظام اسد و سلطه بر سوریه خود را حاکم شامات نامید. اکنون در حالی یک سال از آن دوران می‌گذرد که روند تحولات نشان می‌دهد سوریه‌ای که براساس اهداف غرب قرار بود به یک الگو برای سایر کشورهای منطقه مبدل گردد، اکنون به درس عبرتی برای ملت‌هایی مبدل شده است که همچنان دلبسته حل مشکلاتشان با نسخه‌های غربی و یا سازش با رژیم صهیونیستی هستند.

یک سال پیش در چنین روزهایی جولانی و تحریرالشام با ماهیتی تروریستی در حالی کت و شلوار پوشیده به حاکمیت دمشق رسیدند که در کنار حامیان خارجی خویش دنیایی بهتر را برای مردم سوریه و کشورهای منطقه وعده دادند. کارنامه یک ساله جولانی نشان می‌دهد که هرچند آن‌ها ادعای بهبود شرایط اقتصادی، تشکیل ساختاری مردمی و غیر طایفه‌ای با نقش آفرینی جدید منطقه‌ای و جهانی را سرداده و تلاش کردند تا خروج نام تحریرالشام از لیست گروه‌های تروریستی و سفرهای مقامات عربی و غربی به دمشق و نیز دیپلماسی و سفرهای جولانی به سایر کشورها را نشانه‌ای بر تحقق این وعده‌ها نشان دهند، اما گزارش سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد که عملا چنین وعده‌هایی محقق نشده است. در یک سو اقتصاد فروپاشیده و وضعیت بحرانی پناهجویان و آوارگان سوری ادامه یافته است و از سوی دیگر جولانی با بهره‌گیری از گروه‌های تروریستی تحت امر، در مناطقی خاص همچون مناطق علوی نشین و مرزهای بین سوریه و عراق کشتارها و جابه‌جایی جمعیت اجباری را صورت داده، چنانکه آمارها از کشته شدن دهها هزار نفر در طول یک سال گذشته حکایت دارد. انتخابات پارلمانی در سوریه نیز در حالی برگزار شده که عملا اکثریت پارلمان به انتخاب جولانی و سایرین نیز از جریان‌های نزدیک به او بوده‌اند تا زمینه را برای وضع قوانین در قالب تثبیت حاکمیت او اجرایی سازند. نکته قابل توجه آنکه ترکیب هیئت دولت جولانی نه از گروه‌ها و جریان‌های سوری، بلکه افرادی با نژادها و ملیت‌های خارج از سوریه بوده‌اند که سابقه فعالیت در گروه‌های تروریستی از القاعده گرفته تا تحریرالشام را داشته‌اند.

سوریه‌ای که جولانگاه اشغالگران شد

جولانی بر این ادعا بوده که به دنبال حفظ یکپارچگی و تقویت جایگاه منطقه‌ای و جهانی سوریه بوده است، حال آنکه اکنون شواهد نشان می‌دهد که عملا بخش کوچکی از دمشق و برخی شهرها همچون ادلب و حلب در اختیار دولت جولانی است و عملا سوریه از یک سو میان جریان‌های داخلی از دروزی‌ها گرفته تا کردها تجزیه شده است و از سوی دیگر چنگال اشغالگران بیرونی بر پیکر سوریه نشسته است. بخش‌هایی از نواحی شمالی سوریه تحت کنترل نظامیان ترکیه است و بخشی تحت نفوذ و کنترل رژیم صهیونیستی قرار دارد. صهیونیست‌ها علاوه بر استان‌های درعا، سویدا و قنیطره بر بخش‌هایی از استان ریف دمشق و بخش‌هایی از مرزهای جنوب غربی سوریه تسلط دارند و همچنان به حملات نظامی خود ادامه می‌دهند. بخش‌هایی نیز که اکثر مناطق نفت‌خیز است تحت اشغال آمریکاست. کشورهای عربی همچون عربستان، امارات و قطر نیز سوریه را به محلی برای رقابت‌های خود مبدل ساخته‌اند. نکته مهم آنکه جولانی در همان روزهای نخست حاکمیت خود رسما اعلام کرد که هیچ دشمنی با اسرائیل ندارد و حتی با حذف پایگاه‌های مقاومت خدمت امنیتی بزرگی به این رژیم کرده است. جولانی در حالی در تصور برخوردار شدن از حمایت غرب با سازش و توافق با رژیم صهیونیستی بود که نتیجه این رویکرد از یک سو نابودسازی زیرساخت‌های اقتصادی و امنیتی سوریه در بمباران‌های هوایی رژیم صهیونیستی بوده و از سوی دیگر نیز بخش‌های زیادی از خاک سوریه در اشغال این رژیم است، چنانکه نتانیاهو رسما عنوان کرده است که به دنبال خروج از سوریه نخواهند بود. سرخوردگی جولانی از دل بستن به سازشکاری چنان است که او اخیرا و صراحتا اعتراف می‌کند که این رژیم به دنبال بی ثبات سازی سوریه است و دست یابی به توافق با این رژیم بسیار سخت است. شواهد امر نشان می‌دهد که خوش خدمتی‌های جولانی رویکردی یک جانبه بوده است، چنانکه امروز صهیونیست‌ها حاضر به هیچ توافقی با آن نمی‌باشند، چراکه اکنون سلطه‌ای تمام عیار بر سوریه داشته و دیگر نیازی به توافق نمی‌بینند.

سوریه نمادی دوباره از بی‌تعهدی غرب

کشورهای اروپایی که سال‌ها برای سرنگون‌سازی نظام اسد برنامه‌ریزی کرده بودند همزمان با ورود جولانی و تحریرالشام به دمشق با لشکرکشی دیپلماتیک اروپایی‌ها و آمریکا و جمعی از کشورهای عربی و حتی خارج‌ساختن نام جولانی و تحریرالشام از لیست گروه‌های تروریستی، و ادعای تعلیق تحریم‌های سزار بر آن بودند تا خود را ناجیانی برای ملت‌های منطقه معرفی نمایند. آن‌ها در حالی با سلطه رسانه‌ای و جنگ ادراکی برآن بودند تا از مقاومت یک ضدارزش و رابطه با غرب را ارزشی برای رسیدن به آینده‌ای بهتر معرفی نمایند که از یک سو بی توجهی این کشورها به جنایات یک ساله جولانی در وغین بودن ادعاهای حقوق بشری آن‌ها را آشکار ساخت و از سوی دیگر نیز محقق نشدن وعده‌های اقتصادی، تهی بودن ناجی بودن آنان را نشان داد. غربی‌ها در حالی همزمان بر سر کیک سوریه و رسیدن به سهم بیشتر از سوریه چندپاره شده بوده‌اند که همزمان از این شرایط برای توجیه اخراج پناهجویان سوری از کشورهایشان استفاده کردند، حال آنکه این اقدام آوارگی جدید میلیون‌ها نفر را به همراه داشته است. پرونده یک ساله سوریه نشان می‌دهد که غرب نه یک ناجی بلکه متهمی است که با داستان سرایی و وعده‌های بسیار به دنبال سفید سازی پرونده سیاه خود و در نهایت سلطه بر کشورهاست. غرب در حالی خود را ناجی و رهایی بخش برای ملت‌های جهان معرفی می‌کند که ۱۳ سال با حمایت از گروه‌های تروریستی همچون تحریرالشام و شخص جولانی میلیون‌ها سوری را آواره و قتل عام کردند و در یک سال گذشته نیز با چشم پوشی از رفتارهای ضد بشری جولانی رسما به این روند ادامه می‌دهد.

سوریه و بازگشت مردم به مقاومت

نکته قابل توجه در تحولات سوریه آنکه در جنگی رسانه‌ای و ادراکی غرب در یک روایت سازی دروغین برآن بوده تا حضور سوریه در جبهه مقاومت را عامل تمام بدبختی‌ها و نابسامانی‌های این کشور معرفی نماید، چنانکه همزمان با ورود جولانی به دمشق، رسانه‌های غربی با ادعاهایی همچون زندان صیدنایا و آنچه گورهای دسته جمعی می‌نامیدند، به دنبال نمایش چهره‌ای خشن و سیاه از حاکمیت اسد و روابط آن با مقاومت بودند، در حالی که همزمان نیز با تعریف تروریسم به خوب و بد طرح تطهیرسازی و سفیدسازی پرونده تحریرالشام را در پیش گرفتند. رسانه‌های غربی مأموریت داشته‌اند تا در نهایت سوریه را به الگویی برای سایر کشورهای منطقه مبدل سازند، به گونه‌ای که از یک سو مردم را به آشوب‌های خیابانی کشانده و از سوی دیگر آن‌ها را به همراهی با گروه‌های تروریستی هدایت نمایند، حال آنکه پس از یک سال سرنوشت سیاه سوریه این الگو سازی را به یک رسوایی برای رسانه‌های غربی مبدل ساخته‌اند. آنانی که دو سال نسل کشی غزه را سانسور و توجیه کرده‌اند در سوریه نیز تروریسم را حمایت و تطهیر کردند. حال آنکه امروز تشت رسوایی در وغین بودن الگوسازی‌های غرب برای ملت‌های منطقه آشکار شده است.

یهودکشی برای نجات صهیونیسم!

رویداد خونین سیدنی در آیین حانوکا، نه حادثه‌ای معمولی در یک گوشه امن از دنیا، بلکه روایتی تازه از جنگ روانی صهیونیسم بود. در ظاهر، ما با رخدادی در یکی از آرام‌ترین کشورهای جهان روبه‌روییم؛ اما در عمق ماجرا، سایه‌ای از برنامه‌ریزی اطلاعاتی و عملیات روانی رژیمی دیده می‌شود که دیگر هیچ سرمایه اخلاقی و سیاسی برای بقا ندارد. وقتی نهادهای امنیتی و رسانه‌های نزدیک به تل‌آویو به سرعت از هماهنگی کامل پس از حادثه خبر می‌دهند، سخت بتوان این رویداد را صرفا جنایت فردی یا اقدام خودجوش دانست.

رژیم صهیونیستی و شخص بنیامین نتانیاهو در دو سال اخیر، گرفتار بن‌بست بی‌سابقه‌ای شده‌اند. جنایات بی‌وقفه در غزه و تصاویر دردناک قربانیان غیرنظامی، صورت واقعی اسرائیل را برای جهانیان آشکار کرد. دولت‌های غربی شاید هنوز ساز مماشات بزنند، اما جامعه جهانی دیگر چار تردید نیست: صهیونیسم در مرحله فرسایش تاریخی خود قرار دارد. میلیون‌ها انسان از نیویورک تا پاریس، نفرت از آپارتاید اسرائیلی را فریاد می‌زنند. در چنین وضعیتی، تل‌آویو برای آنکه از دره انزوا سر بیرون آورد، به داستانی تازه نیاز دارد. داستانی که در آن، قاتل به جای مقتول بنشیند. از همین جاست که پروژه‌ای مانند «حادثه سیدنی» معنا پیدا می‌کند؛ صحنه‌ای طراحی شده در غرب برای زنده کردن حس ترحم نسبت به اسرائیل.

نکته دوم، به چگونگی روایت این تراژدی برمی‌گردد. پیش از آنکه مردم استرالیا از عمق ماجرا باخبر شوند، خبرگزاری‌های وابسته به موساد آماده بودند تا تیترهای از پیش نوشته‌شده را روانه کنند. واژه‌هایی همچون «نفرت ضدیهودی» و «تروریسم مذهبی» با چنان سرعتی در رسانه‌های غربی تکرار شد که گویی سناریو مدت‌ها پیش نوشته شده بود. این واکنش برق‌آسا، تصادفی نیست؛ بلکه بخشی از الگوی ثابت عملیات‌های موساد است که هم‌زمان با حادثه، روایتش را نیز در اذهان عمومی تزریق می‌کند. در این ساختار دو مرحله‌ای، ابتدا صحنه اجرامی شود و در لحظه بعد تصویر قربانی بودن اسرائیل به جهانیان عرضه می‌گردد.

اما شاید مهم‌ترین نشانه‌ها را باید در پشت صحنه جست‌وجو کرد. طی هفته‌های پیش از این ماجرا، اندیشکده‌های امنیتی درتل‌آویو و واشنگتن بارها درباره گسترش خیزش‌های ضدصهیونیستی هشدار داده بودند. تحلیلگران نزدیک به ساختار قدرت در اسرائیل می‌گفتند اگر اقدامی فوری صورت نگیرد، موج «صهیونیسم‌ستیزی» چهره اسرائیل را برای سال‌های آینده کاملا نابود خواهد کرد. نام‌هایی چون موساد، شین‌بت و حتی سازمان سیا در جلسات محرمانه به چشم می‌خوردند. به نظر می‌رسد پاسخ عملی این جلسات، نه در خاورمیانه بلکه در سواحل آرام سیدنی متبلور شد؛ جایی که خون چند انسان، به بهای بازسازی مصنوعی چهره اسرائیل ریخته شد.

با کنار هم گذاشتن نشانه‌ها، حادثه سیدنی بیش از آنکه «یهودکشی» از سر نفرت باشد، خود نوعی یهودکشی هدایت شده است؛ اقدامی نمایشی برای نجات صهیونیسم در آخرین لحظات مشروعیت خود. رژیمی که برای بقا، از قربانی کردن مردم خود نیز ابایی ندارد. اما در دنیای شفاف امروز، چنین نمایش‌هایی عمری کوتاه دارند. پرده‌های دروغ یکی یکی فرو می‌افتند و جهان بیش از پیش با چهره واقعی آنچه «صهیونیسم» نام دارد، روبه‌رو می‌شود.

خاموش کردن لامپ های اضافی، ساده ترین راه صرف جویی در مصرف برق است

شرکت برق منطقه‌ای خراسان

«آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه)

به شماره ش/ ۱۴۰۴/۳۰

شرکت برق منطقه‌ای خراسان در نظر دارد؛ تکمیل عملیات توسعه یک بی ترانس قدرت در پست ۱۳۲/۲۰ کیلوولت حافظ از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه) به پیمانکار حائز شرایط ، واگذار نماید.

شماره فراخوان در سامانه ستاد	موضوع مناقصه	مدت پیمان	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)	محل اعتبار
۲۰۰۴۰۰۱۱۲۳۰۰۰۰۴۳	تکمیل عملیات توسعه یک بی ترانس قدرت در پست ۱۳۲/۲۰ کیلوولت حافظ	۵ ماه	۱۵،۰۷۹،۵۶۸،۱۴۱	داخلی

*شرط ورود به مناقصه:
دارا بودن گواهینامه صلاحیت معتبر پیمانکاری با حداقل پایه ۵ رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه و ظرفیت آزاد .
*نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه :
مناقصه گران حائز شرط فوق می توانند پس از ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ، فایل اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه را بدون واریز وجه بارگیری نمایند.
*تاریخ دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه:
از ساعت ۱۰ سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ تا ساعت ۱۹ یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۳۰
*تاریخ بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه و محل تحویل پاکت تضمین:
از پیشنهاد دهندگان تقاضا می گردد؛ ابتدا تصویر کلیه مستندات و مدارک (اسناد ارزیابی کیفی، پاکت الف، ب و ج) را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ ظهر روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ بارگذاری نمایند و اصل پاکت الف با شرایط درج شده در اسناد مناقصه و به صورت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۲:۰۰ ظهر روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ پس از ثبت در دبیرخانه شرکت برق منطقه ای خراسان به آدرس: مشهد –انتهای بلوار وکیل آباد –نرسیده به جاده شاندیز –سمت راست –به امور تدارکات و قراردادها –تلفن ۳۶۱۰۳۶۱۱ –۰۵۱ –دورنگار ۳۶۱۰۳۶۲۹ –۰۵۱ تحویل نمایند.
*تاریخ و محل گشایش پاکت کیفی: ساعت ۹ صبح سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ در محل امور تدارکات و قراردادها.
*در صورت نیاز به دریافت توضیحات بیشتر، متقاضیان می توانند با مشاور (آقای امینی-منیران) به شماره ۳۸۷۱۷۲۰۰-۰۵۱ ، یا با امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه ای خراسان به شماره ۳۶۱۰۳۶۱۴-۰۵۱ و فاکس ۳۶۱۰۳۶۲۹-۰۵۱ تماس حاصل نمایند.
*به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط ، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضا مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
*پیشنهاد دهنده موظف به ارایه تضمین معتبر و قابل تمدید مطابق آیین نامه تضمین درمعاملات دولتی می باشد و پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن مورد پذیرش واقع نخواهد شد.
*سایر اطلاعات و جزییات در اسناد مناقصه درج شده است .
ضمنا متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر، به پایگاه های اطلاع رسانی به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

پایگاه اطلاع رسانی معاملات توانیر	http://tender.tavanir.org.ir
پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات	http:/iets.mporg.ir
پایگاه اطلاع رسانی مناقصات شرکت برق منطقه ای خراسان	www.krec.ir
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت «ستاد»	www.setadiran.ir

شناسه آگهی ۲۰۷۰۹۵۲

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای خراسان

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت عمران نقش چین (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۷۶۷۷۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۱۶۶۰۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران یا وکلای قانونی آنها دعوت بعمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت عمران نقش چین (سهامی خاص) که در روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ ساعت ۱۰ صبح به نشانی تهران، بلوار میرداماد، خیابان علیرضا سنجابی (خیابان بهروز)، نبش یکم، پلاک ۱۳، ساختمان پاسارگاد، طبقه ۵، واحد ۵۰۴ برگزار می گردد، حضور به هم رسانید.
دستور جلسه:
۱ -استماع گزارش هیئت مدیره در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۲-استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۳-رسیدگی و تصویب ترازنامه و صورت سود و زیان و صورتهای مالی شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۴ـ اتخاذ تصمیم نسبت به سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده می باشد.

هیئت مدیره عمران نقش چین (سهامی خاص)
خ ت ۱۴۰۴/۹/۲۶

مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده موسسه آبادانی دیار سربداران

به شماره ثبت ۷۲۴۳ فرهیختگان گرامی اعضای هیات امناء موسسه

جناب آقایان:
حضرت آیت‌الله غلامرضا مغیسه
حضرت آیت‌الله محمد سعیدی
دکتر محمدرضا محسنی ثانی — دکتر ابوالقاسم ابراهیمی
دکتر اسماعیل فیله‌کن — حاج علی بروغنی
دکتر سید محسن فضل هاشمی — دکتر مهدی شمس آبادی
مهندس قاسم شعبانی عطا — حاج سید محمد افقهی
دکتر محمد دلبری — حاج محمد ساده
دکتر رضا روشنفکر — حاج مهدی محسنی ثانی
حاج محمود میرخسروی — مهندس قاسم روزبه
دکتر سید مجید رباط سرپوشی — دکتر عباس محمدیان
مهندس جلال جمالی کاظمی

احتراماً، بدینوسیله از حضرتعالی به عنوان عضو محترم هیات امنای موسسه آبادانی دیار سربداران به شماره ثبت ۷۲۴۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۰۴۲۵۷ دعوت به عمل می‌آید تا با عنایت به تبصره ۲ از ماده ۲۴ اساسنامه موسسه، در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که راس ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۴ در مشهد مقدس محل ساختمان زیست خاور واحد ۷۱۵ تشکیل می‌شود، شرف حضور به هم رسانید.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده:
۱.ایجاد دبیرخانه مستقل هیات امناء
۲.تعیین نماینده و ناظر دائم و موظف هیات امناء در هیات مدیره
۳.واگذاری منطقه ویژه اقتصادی سبزوار به بخش خصوصی و انتخاب خریدار و بررسی و تصویب الزامات قانونی آن

هیات مدیره